

## تأثیر اعتقاد به مهدویت و انتظار بر شناخت خود، خدا و امام از دیدگاه آیت‌الله صافی

طاهره حاجی رحیمی<sup>۱</sup>

محمدعلی محیطی اردکان<sup>۲</sup>

### چکیده

باورداشت مهدویت و انتظار، عقیده‌ای اسلامی با پشتوانه محکم برهان‌های عقلی و دلایل نقلی است. با توجه به اهمیت این موضوع و تأثیر آن بر بینش انسان، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، چگونگی تأثیر این اعتقاد بر معرفت‌الذات، معرفت‌الذات و معرفت‌الذات را مبتنی بر دیدگاه آیت‌الله صافی بررسی کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اعتقاد به مهدویت و انتظار موجب شناخت انسان به خداوند و با نگاهی عام‌تر، معرفت به دین می‌شود. این اعتقاد در حوزه امام‌شناسی نیز به نوبه خود، باعث افزایش معرفت و بالتبع موجب محبت بیشتر به امام می‌شود. با شناخت امام، معرفت نسبت به هدف غایی، معرفت به حکومت حق و اصیل و پذیرش ولایت فقیه حاصل می‌شود. این اعتقاد باعث افزایش معرفت به خویشتن و وظایف فردی و اجتماعی خود در حوزه مهدویت و انتظار خواهد شد. بنابراین، بین خداشناسی، امام‌شناسی و خودشناسی روابطی متقابل وجود دارد و هر کدام به گونه‌ای بر دیگری تأثیرگذار است.

**واژگان کلیدی:** مهدویت، انتظار، وظیفه، خداشناسی، انسان‌شناسی، خودشناسی، آیت‌الله صافی.

## مقدمه

عقیده به مهدویت و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه به عنوان منجی عالم، باوری اسلامی و اعتقادی عمومی و اجتماعی است و به شیعه اختصاص ندارد، بلکه همگی مسلمانان، بر آن اتفاق نظر دارند؛ اگرچه شیعه، شخص او را از نظر حسب و نسب معرفی می‌کند.

این اعتقاد، به عنوان اندیشه‌ای اسلامی، بر قوی‌ترین دلایل نقلی و عقلی استوار است. آیاتی از قرآن مجید و بسیاری از احادیث، چنان این اعتقاد را محکم و استوار کرده است که انکار آن، مانند انکار اصل رسالت و نبوت، در بعضی از روایات، کفر شمرده شده است. برحسب اصول مذهب شیعه دوازده امامی، ایمان بدون آن کامل نمی‌شود و قبولی اعمال به پذیرش آن مشروط است.<sup>۱</sup>

شواهد تاریخی بهترین مؤید برای صحت این موضوع است تا جایی که هیچ یک از مسلمانان شیعه و سنی آن را انکار و حتی در آن شک نکرده است. در این بین، برخی افراد که تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفتند، در موضوع مهدویت اشکالات و شبهاتی را طرح کردند؛ زیرا این افراد در زمینه مقاصد مادی‌گرایان به تعریف و تأویل روایات قطعی دست می‌زنند و طبق اهداف آن‌ها تفسیر و تحلیل می‌کنند.<sup>۲</sup>

عقاید، در تعیین سیر انسان و مشخص کردن هدف و مقصود او، نقش مؤثری ایفا می‌کنند. پس هر چه اعتقادات دقیق‌تر و با واقعیات موافق‌تر و از خرافات منزّه‌تر باشد؛ هدف و مقصد شخص، انسانی‌تر و اعمال و حرکاتش پاک‌تر خواهد بود. همان‌گونه که بین شناخت، گرایش و رفتار انسان رابطه طولی و سیر خطی وجود دارد؛ دسته‌ای از اعتقادات انسان نیز بر برخی شناخت‌های او مؤثرند. باورداشت مهدویت و انتظار از این مقوله مستثنا نیست و تأثیرات معرفتی مختلفی دارد. معرفت انسان به خداوند، امام و خویشان از شناخت‌های انسان است که تحت تأثیر اعتقاد به مهدویت و انتظار قرار می‌گیرد. آیت‌الله صافی رحمته الله علیه، از جمله اندیشمندانی

۱. صافی گلپایگانی، عقیده نجات بخش پیرامون عقیده به ظهور و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه، ص ۶.

۲. همان، باورداشت مهدویت، ص ۷.

است که در دوران معاصر در آثار مهدوی خویش، به اوصاف، ویژگی‌ها و تأثیرات اعتقاد به مهدویت در حوزه فردی و اجتماعی اشاره و آن‌ها را تبیین کرده است. در این نوشتار به تأثیر اعتقاد به مهدویت و انتظار بر بینش و معرفت انسان به خداوند، به امام و به خویشتن از منظر آیت‌الله صافی رحمته‌الله علیه خواهیم پرداخت. انسان‌شناسی و خداشناسی از جمله مبانی فلسفی مهدویت به شمار می‌روند و معرفت درست و کامل فرد به انسان و خداوند، مقدمه‌ای برای اعتقاد به مهدویت است؛ در عین حال همان‌گونه که توضیح داده خواهد شد انسان‌شناسی و خداشناسی با اعتقاد به مهدویت رابطه متقابل دارند و هریک بر دیگر تأثیرگذار است.

گفتنی است در حوزه کارکردها و تأثیرهای «مهدویت و انتظار»، مقالاتی نوشته شده‌اند؛ از قبیل «کارکرد رفتاری و کنشی فرهنگ انتظار در تعمیق راهبرد مقاومت» (محمود ملکی راد، جامعه مهدوی، ۱۴۰۰)؛ «کارکرد مهدویت در اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی» (همان، مشرق موعود، ۱۳۹۷)؛ «نقش مهدویت در تحکیم نظام اجتماعی عصر غیبت» (همان، حکومت اسلامی، ۱۳۹۷)؛ «کارکردهای مهدویت در اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی در دوران غیبت» (محمدصابر جعفری، پژوهش‌های مهدوی، ۱۳۹۷)؛ «مهدویت و معنویت؛ جستاری در کارکردهای معنابخشی انتظار در جهان معاصر» (حبیب‌الله بابایی، همایش دکتربین مهدویت، ۱۳۸۵)؛ «کارکردهای فردی و اجتماعی مهدویت» (سیده فاطمه موسوی، موعود پژوهی، ۱۳۹۸) و «کارکرد آموزه انتظار در کنترل اجتماعی» (محمدصادق ربانی، انتظار موعود، ۱۳۸۷). با وجود تدوین این مقالات، در عین حال مقالات مذکور یا به تأثیرات اعتقاد به مهدویت و انتظار بر شناخت انسان به خداوند به امام و به خویشتن نپرداخته و یا تنها اشاره‌ای گذرا به این حوزه معرفتی داشته‌اند. بحث را با مفهوم‌شناسی آغاز می‌کنیم.

## ۱. مفهوم‌شناسی

شناخت درست و تفسیر دقیق و واقعی اصطلاحات اسلامی برای هر فردی که بخواهد با روح آموزه‌های اسلام و حقیقت این مکتب آشنا شود، لازم است؛ زیرا درک جوانب ایجابی و سلبی این تعالیم و ارتباط آن با شناخت، گرایش و عمل درست به حوزه تصویری دقیق منوط است. در ادامه

به معنا و مفهوم واژگان اصلی تحقیق می پردازیم:

## الف) مهدویت

«مهدویت» به لحاظ لغوی به معنای هدایت شده به سوی خدا<sup>۱</sup>، مصدر جعلی یا ساختگی از مهدوی است. مهدوی، از اضافه یای نسبت به مهدی - که می تواند اسم فاعل یا مفعول باشد - ساخته شده است. معنای اصطلاحی مهدویت، باور به منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه ای واحد با حکومت حق و رهبری ابرمردی الهی، یعنی همان موعود ادیان و دوازدهمین وصی پیغمبر آخرالزمان است.<sup>۲</sup>

## ب) انتظار

«انتظار»، حالتی است که از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، و شوق و علاقه به ظهور و حکومت و زیست و همراهی با اهل بیت علیهم السلام، عدم رضایت از وضع موجود و توجه به نقص و فساد و تباهی آن سرچشمه می گیرد.<sup>۳</sup>

## ۲. تأثیر اعتقاد به مهدویت و انتظار بر شناخت انسان نسبت به خدا

معرفت به خداوند و شناخت دین را می توان از جمله تأثیرات معرفتی مهدویت و انتظار بر حوزه خدانشناسی دانست که این رویکرد از آثار آیت الله صافی، قابل استنباط است.

### ۲-۱. معرفت به خداوند

معرفت به خداوند با معرفت به حجت خداوند و ثبات و افزایش آن ارتباط دارد و بدون شناخت امام، معرفت به خداوند میسر نمی شود؛<sup>۴</sup> همان گونه که در بعضی از روایات، معرفت صحیح و کامل خداوند، در گرو معرفت امام دانسته شده است: از حضرت سیدالشهدا سؤال شد:

۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۷۵ و حسینی زبیدی، تاج العروس، ج ۲۰، ص ۳۳۲.

۲. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۶۴۸.

۳. همان، انتظار عامل مقاومت، ص ۷.

۴. همان، معرفت حجت خدا، ص ۱۰۴.

فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ حضرت فرمود: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»<sup>۱</sup>.

شیخ صدوق در شرح و تفسیر این عبارت می‌فرماید:

«اهل هر زمانی بدانند که خدا آن کسی است که آن‌ها را در هر زمان بدون امام معصوم نخواهد گذارد، پس کسی که خدایی را پرستش کند که بر خلق به وسیله نصب امام معصوم اقامه حجت نکند، پس غیر خدای عزوجل را عبادت و پرستش کرده است.»<sup>۲</sup> علامه مجلسی نیز می‌فرماید: «شاید تفسیر «معرفت خدا» به «معرفت امام» برای بیان این نکته باشد که معرفت خدا حاصل نمی‌شود، مگر از جهت امام، و یا برای بیان این نکته باشد که انتفاع از معرفت خدا مشروط است به معرفت امام.»<sup>۳</sup>

یعنی اول باید خدا را شناخت تا بتوان او را عبادت کرد و هدف از خلقت محقق شود و در واقع معرفت امام، همان معرفت خدا و مقدمه عبادت است؛ عبادتی که هدف از خلقت انسان است. پس می‌توان نتیجه گرفت که معرفت و شناخت امام، یکی از اهداف خلقت انسان و از مقدمات آن به حساب می‌آید.

فرد منتظر و مهدی باور، به طور قطع به ولایت و حکومت امام معتقد است و در انتظار روزی است که این حکومت و ولایت محقق شود. از سوی دیگر، این ولایت و حکومت از طرف خداوند است؛ زیرا مهدویت تجلی توحید است؛ چنان‌که این نکته از آیه «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»<sup>۴</sup> و نیز آیه «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»<sup>۵</sup> استنباط می‌شود. پس فردی که امام را حاکم و ولی خود و جامعه بدانند، قطعاً خداوند را دارای ولایت حقیقی دانسته است و اطاعت از خداوند را

۱. راوی پرسید: معرفت خدا چیست؟ حضرت فرمود: «معرفت اهل هر زمان، معرفت امام ایشان است که اطاعت او بر ایشان واجب است» (ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۹).

۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۹.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۸۳.

۴. بقره: ۱۲۴.

۵. ص: ۲۶.

واجب می‌شمارد.<sup>۱</sup> از آن‌جا که اطاعت و عبادت خدا و چگونگی آن بدون دریافت برنامه و دستورالعمل آن از امام و اطاعت از او حاصل نمی‌شود؛ این مرتبه از معرفت کامل که در کمال هم مراتب دارد، بدون معرفت امام محقق نخواهد شد.

فرد منتظر، کسب رضای امام را مقدمه کسب رضای خداوند می‌داند؛ زیرا این فرد، عاشق امام است و در صدد اجرای کاری است که مورد رضایت معشوق باشد که همان اطاعت از خداوند است و اطاعت از خداوند برخاسته از معرفت به خداوند است؛ زیرا رفتارها نشأت گرفته از بینش‌ها هستند و تا شناخت به خداوند وجود نداشته باشد، اطاعت از خداوند حاصل نخواهد شد. بنابراین، هرچه با تمسک به گفتار و رفتار اهل بیت علیهم‌السلام در مسیر معرفت و عبودیت خداوند متعالی پیش برویم، به اهداف حضرت نزدیک‌تر شده و قلب مطهر او را شادتر کرده‌ایم؛ چرا که حضرت، بالاترین عاشق خدا است که بیش‌تر از هر چیز رضایت خدا را می‌خواهد و رضایت خدا نیز در این است که بندگانش هرچه بیش‌تر با او آشنا تر و به او نزدیک‌تر شوند.<sup>۲</sup>

از منظر آیت‌الله صافی، اهل بیت علیهم‌السلام جمال و جلال بی‌نهایت الهی را در حد درک و شناخت ما مجسم کرده‌اند و مظهر تمام اسما و اوصاف الهی، بهترین جایگاه معرفت خدا و کارگزار و عامل خداوند هستند؛ مجرای که خداجویان از کوتاه‌ترین راه و در کوتاه‌ترین زمان به خداوند برسند: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ»<sup>۳</sup>؛ زیرا ائمه علیهم‌السلام انسان‌های کامل هستند و انسان کامل، کامل‌ترین مظهر خدا است. از سوی دیگر، شناخت خدا فقط از راه شناخت مظاهر و تجلیات ممکن است؛ در نتیجه کامل‌ترین راه شناخت خدا، شناخت کامل‌ترین مظهر خدا، یعنی شناخت ائمه علیهم‌السلام است. با شناخت ائمه علیهم‌السلام شناخت احکام و دستورهای خداوند ممکن خواهد بود؛ زیرا در روایات، ولایت بالاتر از احکام بیان شده، بلکه کلید آن‌ها توصیف شده است.

۱. صافی گلپایگانی، اصالت مهدویت، ص ۹۶-۹۷.

۲. مصباح یزدی، آفتاب ولایت، ص ۲۵.

۳. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۸ و رک: صافی گلپایگانی، تجلی توحید در نظام امامت، ص ۵۶: «هر که خداشناسی و خداپرستی را اراده کند، از شما آغاز می‌کند».

## ۲-۲. معرفت دین

با معرفت به خداوند، معرفت به دین نیز حاصل می‌شود؛ زیرا خداوندی که انسان را برای عبادت و رسیدن به قرب خودش خلق کرده است، قطعاً راه وصول به هدف را نیز در اختیار انسان قرار می‌دهد؛ در غیر این صورت، نقض غرض حاصل می‌شود که بر خداوند محال است. پس انسانی که تقرب به خداوند را هدف نهایی خود می‌داند، یقیناً به دینی تمسک می‌کند که در جهت رسیدن به هدف نهایی خود باشد و لذا به دنبال شناخت بیش‌تر دین حق و اصیل و شناخت امام و حجت‌الاهی می‌رود.

مهدی باوری، نشأت گرفته از دین باوری است. منظور از دین موجب مهدی باوری، اصول دین است. فردی که امامت را از اصول دین بداند، به طور قطع به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ایمان می‌آورد. مهدی باوری نیز بر اصل دین‌مداری مؤثر است، هم بر آموزه‌های دینی و هم بر اصل دین‌مداری؛ زیرا باور و اعتقاد به مهدویت و انتظار با معرفت به خداوند رابطه دو سویه دارد؛ از طرفی نیز معرفت و اعتقاد به نبوت برخاسته از معرفت خداوند است. بنابراین، مهدی باوری بر شناخت و معرفت و اعتقاد به توحید و نبوت مؤثر است. از آن‌جا که ائمه علیهم السلام مظهر صفات الاهی و جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند؛ شناخت امام، معرفت نسبت به خداوند و صفات او و معرفت به نبوت و امامت خاصه را به دنبال دارد؛ زیرا امامت عامه در امتداد امامت خاصه است. افزون بر این، بر معرفت آموزه‌های دینی نیز مؤثر است؛ زیرا شرح و بیان ابعاد مختلف دین، آن هم دینی مثل دین اسلام و تفسیر مجمل و مفصل و محکم و متشابه و خاص و عام و ناسخ و منسوخ کتاب و سنت و دقایق مسائل عقاید و احکام، اموری نیست که هر کسی قابلیت تبیین آن را داشته باشد. پس باید بین امت در هر عصر، شخصی باشد که مرجع در تمام امور باشد و قولش حجت و قاطع هرگونه اختلاف و امان از گمراهی و ضلال تلقی گردد.

آیت‌الله صافی ضمن اشاره به رابطه معرفت امام و معرفت دین، ضلالت از دین را با نشناختن حجت و امام مرتبط دانسته و یکی از فواید بزرگ نصب حجت و امام را منحرف نشدن مؤمنان از راه راست بیان کرده است. با وجود چنین امام و مرجعی الاهی و علامت یقینی، هر کس او را مقتدا قرار دهد و از او تخلف نکند و از وی پیشی نگیرد و از ارشادات و هدایت‌های او تخطی نکند، از

دینش گمراه نخواهد شد و اگر در ایمان به امامت و معرفت حجت لغزشی پیدا کند و ثابت نماند، از دین گمراه می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۳. تأثیر اعتقاد به مهدویت و انتظار بر شناخت انسان نسبت به امام

همان‌گونه که معرفت به امام، اعتقاد و باور به مهدویت و انتظار را به دنبال دارد؛ اعتقاد به مهدویت و انتظار موجب معرفت بیش‌تر به امام، شناخت هدف نهایی، معرفت به حکومت حق و اصیل و بالتبع مشروع دانستن «ولی فقیه» را موجب می‌شود.

#### ۳-۱. امام شناسی

بر اساس آموزه‌های اسلامی، معرفت امام، امان از ضلالت و گمراهی و موجب تقرب به خداوند متعال و ترقی و کمال نفس است، و بدون معرفت امام و ولی‌امر هیچ طاعت و عبادتی مقبول نیست. به فرموده آیت‌الله صافی:

با توجه به نقشی که امامت در حفظ نظام، کمال بشر و سیر او به سوی خدا و اجرای احکام خدا دارد، و با توجه به این‌که اطاعت امر امام شرعاً و عقلاً واجب است؛ در وجوب معرفت امام نیز برحسب حکم عقل جای هیچ‌گونه تردید و شبهه‌ای نیست؛ زیرا مقدمه اطاعت است که واجب است، و بدون وجوب آن، اطاعت و نصب امام بیهوده خواهد شد.<sup>۲</sup>

همچنین برحسب شرع و آنچه از بعضی روایات استفاده می‌شود، اطاعت امام نیز واجب است؛ چنان‌که در این روایات، ورود به بهشت و ورود به آتش دایرمدار شناخت امامان و انکار آن‌هاست: «وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ، وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَأَنْكَرُوهُ».<sup>۳</sup>

معرفت به امام درجاتی دارد؛ درجه اول معرفت به شخص امام است و درجه بعدی معرفت به

۱. صافی گلپایگانی، معرفت حجت خدا، ص ۱۲۵.

۲. همان، پیرامون معرفت امام، ص ۹۱.

۳. شریف الرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲؛ «داخل بهشت نمی‌شود کسی مگر این‌که آن‌ها [آئمه علیهم‌السلام] را بشناسد و آن‌ها نیز او را بشناسند و داخل آتش نمی‌شود، مگر کسی که منکر آن‌ها باشد و آن‌ها نیز او را از آن خویش ندانند».



هدف و شخصیت اوست. شناخت شخص امام به معنای دانستن این نکته است که امام موعود، فرزند امام حسن عسکری از نسل امام حسین و سلاله حضرت رسول اکرم است. این شناخت مانع از بسیاری از انحرافات و گمراهی‌هاست؛ زیرا موعود و حجت الاهی در رویکرد شیعی، موعود و حجت شخصی است، نه موعود نوعی.<sup>۱</sup> شناخت شخصیت امام؛ یعنی شناخت منزلت و جایگاه امام در هستی و درک وابستگی هستی به وجود امام و نیز شناخت اهداف و آرمان‌های ایشان. پس معرفت به شخص و شخصیت امام، معرفت به آرمان‌ها و اهداف او موجب می‌شود که فرد در انتظار چنین شخصی و اهداف او باشد.

معرفت به شخص، شخصیت، مقام و هدف امام، موجب دوستی به امام می‌شود؛ زیرا انسان کمال‌گرا است و کمال خود را در دوستی به امام و کسب رضایت امام می‌داند. محبت به امام، باعث معرفت و شناخت بیش‌تر امام می‌شود؛ زیرا محب همیشه در پی شناخت محبوب است تا از طریق شناخت محبوب به خواسته‌های وی جامه عمل بپوشاند. در حقیقت بین معرفت و حب، رابطه دوسویه افزایشی برقرار است؛ یعنی هر چه شناخت به امام بیش‌تر شود، دوستی به امام افزایش می‌یابد و در مقابل حب به امام موجب شناخت بیش‌تر امام می‌شود و این رابطه تا بی‌نهایت ادامه دارد؛ زیرا انسان کمال‌گرای بی‌نهایت است.<sup>۲</sup>

با شناخت صحیح امام و علم به ولایت داشتن وی بر مردم، معرفت به هدف نهایی حاصل و حکومت حق و اصیل از حکومت ظلم و غاصب باز شناخته می‌شود.

### ۳-۲. شناخت هدف نهایی

به طور قطع هر مجموعه، دارای کانونی مرکزی است که وجودشان به آن کانون وابسته است و همان کانون علت غایی آن مجموعه است. عوالم موجود در جهان نیز این چنین هستند. این عوالم به سوی موجودی اکمل در حرکتند و به بیان دیگر، موجود اکمل و اشرف، علت غایی اجزای عالم امکان است. هر عالم مقدمه عالم بعد از خود و نتیجه عالم قبل از خود است تا به

۱. صافی گلپایگانی، ولایت تکوینی و تشریحی، ص ۱۱۷-۱۱۹.

۲. ر.ک: صافی گلپایگانی، پیرامون معرفت امام، ص ۹۷ و همان، معرفت حجت خدا، ص ۹۲.

غایة الغایات برسد. به طور کلی هر ناقصی، مقدمه‌ای برای مافوق خود و کامل بعد از خود است. بنابراین، مافوق، علت غایی مادون است و این حرکت تا جایی ادامه خواهد داشت که موجود ممکن اکمل، وجود یابد تا در ضمن به دست آوردن کمال خود، کمال موجود کامل‌تر فراهم شود. بنابراین، این جهان اولاً و بالذات برای کامل‌ترین موجود آفریده شده است.

در تحلیلی فلسفی می‌توان این‌گونه گفت که خداوند، کامل مطلق است و کمال را دوست دارد. بنابراین، موجوداتی هم که خلق می‌کند، خلقشان طبق کمالات است؛ هر چه مخلوق کامل‌تر باشد، خداوند او را بیش‌تر دوست دارد و اگر لازم است برای وجود موجود اکمل و کامل موجود دیگری خلق شود، این کار را انجام می‌دهد. اگر امام زمان انسان کامل است و خداوند کامل را خلق می‌کند؛ باید همه امکانات لازم برای زندگی انسان کامل را خلق کند و چون موجود کامل، بشر باید باشد، بشر هم باید روی زمین زندگی کند و لذا زمین و دیگر امکانات را خلق می‌کند. پس همه چیز برای او آفریده شده است و همین امر نشان از این است که امام علت غایی آفرینش جهان است. به عبارت دیگر، امام محور خلق است و بقیه مخلوقات طفیلی او هستند. اگر موجود اکمل نباشد، جهان از هدف خود محروم می‌شود و علت غایی نخواهد داشت و حرکت جهان بی‌ثمر و حداقل بدون فایده اکمل خواهد بود. لذا همیشه و تا حرکت در عالم امکان هست، باید برای موجود اکمل و به سوی آن باشد که آن «امام و حجت خدا» خواهد بود که یا در کسوت و منصب نبوت ظهور دارد و یا در کسوت امامت و منصوب وصایت، بدیهی است با حب به ذات و فیاض بودن خداوند، جهان هیچ‌گاه از موجود اکمل خالی نخواهد بود و به وجود غیر اشرف بسنده نخواهد شد.<sup>۱</sup>

امام را علت غایی آفرینش دانستن، باعث تغییر نگرش و شناخت فرد نسبت به هدف غایی خودش می‌شود. چنین شخصی هدف غایی خود را قرب خداوند می‌داند؛ زیرا مطابق نص آیات قرآن، موجودات، اشیا و پدیده‌ها باطل خلق نشده‌اند، بلکه محور آفرینش بر مبنای حق استوار گشته است که در این نظام احسن، حتی کوچک‌ترین اجزای آن اهداف ارزش‌مندی را تعقیب

۱. همان، وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام، ص ۲۴ و ۲۵.

می‌کنند و هیچ‌یک از آن‌ها معطل و بی‌کار نیست. و همه این خطوط، به یک مقصد منتهی می‌شود و آن پرورش و هدایت و تکامل انسان‌ها است. از این‌جا معلوم می‌شود که هدف نهایی آفرینش انسان، رسیدن به کمال و سعادت و ارزش‌های انسانی است که این همه در پرتو معرفت و عبودیت و بندگی آگاهانه به پیشگاه خداوند ممکن خواهد بود:

عالی‌ترین مرتبه عبادت که کمال اعلای موجودات است. عبادتی است که امام آن را انجام می‌دهد و با توجه به این‌که عبادات دیگران نیز باید طبق عبادت امام باشد، بنابراین امام، مقصد اصلی و علت غایی خواهد بود.<sup>۱</sup>

بنابراین، انسان با شناخت هدف نهایی خود، معرفت نسبت به حکومت حق و اصیل به دست می‌آورد؛ زیرا در سایه حکومت حق و اصیل، انسان راحت‌تر و بهتر به هدف نهایی خود نایل می‌شود.

#### الف) معرفت حکومت حق و اصیل

برای توضیح این مطلب ابتدا باید انواع ولایت را بازشناسی کرد. ولایت دو گونه است: «ولایت تشریحی» و «ولایت تکوینی». ولایت تکوینی ولایت و استقلال، اختیار رتق و فتق، تدبیر کاینات، روزی دادن، میراندن، زنده کردن، حفظ آسمان و زمین و اداره شئون وجودی عالم امکان، مخصوص ذات خداوند سبحان است و شریکی برای او نیست و ادعای شرکت و اعتقاد به شرکت کسی با خدا، در هر یک از این امور کفر و شرک است و فقط خدا است که بر کاینات سلطنت دارد و غیر از او کسی حاکم مطلق و سلطان نیست و ملائکه و انبیا و اوصیا همه تحت سیطره قدرت و ولایت او قرار دارند.<sup>۲</sup> آیاتی از قرآن کریم نیز بیانگر این حقیقت هستند.<sup>۳</sup> با این حال، عقلاً و شرعاً امکان دارد که خداوند متعال به منظور اظهار برتری شأن و تأیید پیامبران و امامان و یا اتمام حجت بر دیگران به بندگان خاص خود، ولایت و قدرت در تصرف در کائنات یا تدبیر امور را عطا

۱. همان، ص ۸۲.

۲. همان، امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۹۱.

۳. فرقان: ۳ و رعد: ۱۵.

کند تا در مواردی بر حسب مصالح یا جهات ثانوی تصرفاتی بکنند. این نوع اعطا از جانب خداوند با ولایت ذاتی خداوند هیچ گونه منافاتی ندارد و به معنای کناره‌گیری خداوند از تدبیر امور نیست؛ بلکه می‌توان با استناد به قاعده لطف، این اعطا را لازم دانست؛ زیرا بعضی مواقع ممکن است افرادی با مشاهده قدرت پیامبران و امامان بر اداره و تصرف در کائنات و زنده کردن و میراندن، به آن‌ها ایمان بیاورند. این خود، دلیلی بر لزوم اعطای ولایت تکوینی به امامان و پیامبران است.

«ولایت تشریحی» به معنای ولایت بر تشریح احکام و جعل قوانین و نظامات عبادی، معاملاتی، مالی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، کیفری، اجتماعی و احوال شخصی و تعلیم و تربیت و امور دیگر که مختص ذات بی‌زوال خداوند است و در این مورد نیز کسی با خداوند شریک نیست و هیچ کس، نه به عنوان فردی و نه به عنوان عموم، حق قانونگذاری و انشای قوانین و مقررات را ندارد. این نوع ولایت نیز به تشریح و حکم خداوند به اشخاصی عطا می‌شود تا بر چیزی یا شخصی یا اشخاصی ولایت داشته باشند که به «ولایت شرعی» تعبیر می‌شود.<sup>۱</sup>

رسمیت یافتن حکومت شرعی و نظام اسلامی به تعهد و قبول پذیرش مردم از نظام امامت و اعتقاد به ولایت تشریحی امام ارتباط دارد؛ لذا نشناختن امامت و امام زمان و نبودن در این نظام الهی مساوی است با بودن در نظام جاهلیت و رژیم‌های غیراسلامی؛ چنانکه در حدیث شریف نبوی معروف است: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».<sup>۲</sup>

اعتقاد به امام و حجت بودن او، با اعتقاد به ولایت داشتن امام ملازم است؛ هر چند در مورد اوصاف و نحوه تعیین امام بین اهل سنت و شیعه اختلاف دیدگاه وجود دارد. شیعه نصب امام را از طرف خداوند و توسط پیامبر می‌داند. این ولایت تشریحی یا شرعی را که از شعب ولایت الهی است، مستمر و غیرمنقطع معرفی می‌کند و هم‌اکنون نیز خود را تحت این ولایت تشریحی و مطیع

۱. صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۹۳.

۲. همان، ص ۱۲۰.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۶ - ۳۷۷ و ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۰۹؛ «هرکس بمیرد، در حالی که امام زمان خویش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است».

آن می‌داند؛ زیرا اطاعت از امام را بهترین وسیلهٔ تقرب به خداوند می‌شناسد و خروج از این ولایت و ورود به ولایت و حکومت دیگران را، خروج از ولایت و حکومت خدا و ورود به ولایت غیرخدا دانسته و هر نظامی غیر از این نظام را فاسد و باطل می‌داند و آن را طرد می‌کند: «لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ اللَّهُ بِوِلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَلَا عُتْبَ عَلَى مَنْ دَانَ اللَّهُ بِوِلَايَةِ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ»<sup>۱</sup>.

درک ابعاد مختلف امامت که یک بُعد آن، ولایت بر امور خلق از جانب خداست، مردم را از خضوع در برابر مستبدان و قدرتمندان باز می‌دارد. از نظر معتقدان به ظهور حضرت مهدی، جوامع استعمارگر، بدترین جوامع هستند که باید با فکر، هدف، سازمان و رفتارشان مبارزه کرد. این جوامع در تقابل با جامعه مورد انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له است:

«این‌ها جهان را برای همه می‌خواهند و آن‌ها جهان و همه را برای خود. این‌ها برای همه خوشبختی و سعادت می‌خواهند و آن‌ها برای دیگران بدبختی و فقر و جهل. این‌ها بیداری و رشد فکری بشر را دوست دارند و آن‌ها از بیداری و رشد فکری بشر بیمناکند و تا بتوانند از آن جلوگیری می‌نمایند»<sup>۲</sup>.

درک معنای امامت در این بُعد در سطح‌های پایین‌تر نیز، پیروی از اصلاح و عدل را ایجاب می‌کند و حکومت متکبرانه و با تشریفات و چاپلوس را مبعوض می‌کند. به همین دلیل شخص منتظر، نیابت ولی فقیه را شرعی و قانونی می‌داند.

### ب) مشروع دانستن ولی فقیه

متفق بودن شیعه در اعتقاد به امام دوازدهم، سبب اتحاد آن‌ها در پذیرش و پیروی از نواب امام بوده است؛ چنان‌که امروزه اعتقاد به امامت آن حضرت سبب نفوذ معنوی علما و فقها به عنوان نایب عام آن حضرت در دل‌های مؤمنان است. براساس این نظام عالی الهی مقدس است که شیعه در عصر حاضر، اطاعت از اوامر حاکمان

۱. هاشمی خویی، منهاج البراهه فی شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۲۳: «هرکس خدا را با پیروی از امام ستمگری که از جانب خدا نیست دین‌داری کند، دین ندارد و سرزنش نیست بر کسی که با پیروی از امام عادل از جانب خدا دین‌داری کند».

۲. صافی گلپایگانی، عقیدهٔ نجات بخش پیرامون عقیده به ظهور و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له، ص ۳۳.

شرع و فقه‌های عادل و علمای عامل را واجب دانسته و مطیع فرمان و فرمانبر آن‌هاست، و اطاعت آنان را رمز تشیع و نشانه ولایت و ایمان خود به نظام امامت و بیزاری از نظامات دیگر می‌داند و تخلفی از این نظام و مخالفت احکام فقها را استخفاف حکم خدا می‌شمارد.<sup>۱</sup>

آیت‌الله صافی رحمته‌الله علیه ضمن مطرح کردن آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۲</sup>؛ به منظور اثبات ولایت برای امام، دو برداشت متفاوت از آیه را نیز بیان کرده‌اند که طبق یک تفسیر، اطاعت و پذیرش فقها را می‌توان از آیه استنباط کرد:

یکی از نکاتی که در امر به اطاعت «رسول خدا» و «اولی الامر»، کلمه «اطیعوا» مکرر شده و در امر به اطاعت اولی الامر، «واو» عاطفه آورده شده و کلمه «اطیعوا» تکرار نشده است؛ این است که امر به اطاعت در «اطیعوا الله» ارشادی است و در «وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ مولوی و تعبیدی است. بنابراین، اگر کسی بگوید اطاعت فقها - به طور عموم یا بالخصوص - به حکم این آیه واجب شده و غرضش این باشد که «اولی الامر» مذکور در آیه شامل آن‌ها هم می‌شود، به صواب و درستی سخن نگفته و تفسیر به رأی نموده است؛ ولی اگر غرضش این باشد که چون به حکم آیه شریفه، اطاعت امام در عصر غیبت نیز چون عصر حضور واجب است و فقه‌های عادل نواب عام آن حضرت و از جانب او مأذون و برای رتق وفتق امور معین شده و مرجع مردم می‌باشند و اگر کسی مخالفت حکم آن‌ها را بنماید؛ چون امام حکم به اطاعت از آن‌ها فرموده است؛ مخالفت حکم آن‌ها در حکم مخالفت حکم امام می‌باشد که در این آیه اطاعت از آن واجب شده است؛ سخن صحیح و مطابق با صواب و واقع گفته است.<sup>۳</sup>

با توجه به مطالب پیش گفته، روشن شد که اعتقاد به ولایت تشریحی امام، وظیفه انسان را در عصر غیبت نیز روشن می‌کند.

۱. همان، ولایت تکوینی و تشریحی، ص ۱۴۴.

۲. نساء: ۵۹.

۳. صافی گلپایگانی، ولایت تکوینی و تشریحی، ص ۱۴۷.

#### ۴. خودشناسی

«خودشناسی» از یک نظر بر همه معرفت‌های دیگر مقدم است؛ زیرا تا خودشناسی نباشد، دیگرشناسی معنا ندارد و فهم «دیگر»، یعنی فهم «غیر خود»؛ اما معرفت به هدف غایی، به معنایی دیگر یا در سطحی دیگر، مقدمه خودشناسی است؛ زیرا بینش‌ها و شناخت‌ها نیز بر یکدیگر مؤثر و با یکدیگر مرتبط هستند. بنابراین، انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه له همان انتظار هدف غایی خلقت است، موجب می‌شود که شخص منتظر از خودمحوری رها شود و امام را محور جهان بداند و خواست و رضایت امام را بر خواست و رضایت خود ترجیح دهد.<sup>۱</sup>

این سطح از خودشناسی، به تبع موجب ترجیح خواست و رضایت خداوند نیز می‌شود؛ زیرا امام عاشق حقیقی خداوند است و بیش‌تر از هر چیز رضایت خداوند را می‌خواهد. این شناخت، خودشناسی فرد منتظر را به دنبال دارد؛ با این بیان که معرفت به هدف غایی خلقت موجب تغییر نگرش فرد به کمال و هدف خویش می‌شود و هدف خود را آشنایی با خداوند و قرب الاهی می‌داند. بنابراین، شخص منتظر منصب‌ها و مقام‌های دنیوی را ارزش اصلی نمی‌داند، بلکه آن‌ها را وسیله‌ای برای رسیدن به هدف اصلی و نهایی خود، یعنی رضایت امام و قرب الاهی می‌داند و همین امر زمینه انقیاد و تسلیم فرد در برابر اوامر الاهی و امام فراهم می‌کند.

پس انتظار و به تبع آن، دقت در حکمت‌های امر غیبت، انسان را به نقش و جایگاه خودش در زمینه‌سازی ظهور متوجه می‌کند. آیت‌الله صافی اعتقاد به مهدویت را موجب تغییر نگرش انسان به کرامت حقیقی خود و باور به تعلق فرجام کار به صالحان می‌داند و همین تغییر نگرش و باور را سبب دوستی حقیقت و عدالت و نیکوکاری در دل‌های انسان می‌داند و به تبع انسان را برای برتری بخشیدن به کلمه توحید، بر پا داشتن حدود الاهی و اجرای حکم و قانون اسلام، به نهضت و قیام وامی‌دارد و پیوند انسان را با مبادی و اصول اسلامی پایدار می‌کند.<sup>۲</sup> این بدان سبب است که شخص منتظر هدف نهایی خود را رضایت امام و در واقع رضایت خداوند می‌داند.

۱. همان، عقیده نجات بخش پیرامون عقیده به ظهور و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له، ص ۱۶.

۲. همان، باورداشت مهدویت، ص ۱۹.

## الف) معرفت به وظایف حقیقی یا احکام الاهی

زمانی که انسان منتظر نسبت به هدف نهایی خود، معرفت به دست آورد، برای دستیابی به این هدف، در پی شناخت وظایف خود برمی آید؛ زیرا شناخت وظایف، مقدمه رسیدن به هدف است و برای رسیدن به نتیجه باید مقدمات آن فراهم شود.

عقیده به ظهور مصلح آخرالزمان و معرفت به هدف نهایی، نه تنها اثر سلبی و منفی ندارد، و مردم را از اقدام و قیام باز نمی دارد و سستی، گوشه گیری و بی مسئولیتی را شعار مؤمنان قرار نمی دهد، بلکه باعث امیدواری و تلاش مضاعف افراد برای دستیابی به حکومت حق و عدل می شود؛ زیرا احکام اسلام در هیچ عصر و زمان تعطیل نمی شوند و کسانی که موضوع آن باشند، از آن معاف نخواهند بود.<sup>۱</sup>

از آن جا که یکی از ویژگی ها و اهداف جامعه ظهور، تحقق عدالت است؛ فرد منتظر یکی از وظایف خود را زمینه سازی برای تحقق عدالت می داند؛ زیرا در جهت هدف نهایی خودش است. اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و حکومت جهانی آن حضرت، موجب نوع دوستی فرد منتظر می شود و فکر و اندیشه را وسیع و جهان اندیش می کند، که به دورترین نقاط جهان بنگرد و خیر و رفاه مردم تمام مناطق گیتی را بخواهد.<sup>۲</sup> او امام را غایت جهان و تمام جهانیان می داند و به همین دلیل، برای ساختن جهانی سرشار از عدل و حق، ساختن خود و دیگران را وظیفه خود می داند.

همچنین عقیده به امامت و اکمل دانستن امام، انسان را شیفته پیروی از افراد کامل از جانب حق و به حکومت خدا و تبعیت از شایسته ترین و صالح ترین افراد بشر ملزم می کند و او را از نظام های مستبد و استبدادگر و حکومت هایی که براین اساس تأسیس شده اند، متنفر می کند. بنابراین، پیروی و دفاع از حکومت حق و بیزاری از حکومت استبدادی را جزئی از وظایف خود می داند.

۱. همان، عقیده نجات بخش پیرامون عقیده به ظهور و حکومت حضرت مهدی علیه السلام، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۱۸ و ۳۱.



نتیجه آن که این انتظار، ضعف، سستی، مسامحه در اجرای تکالیف و عذر برای کسی در ترک مبارزه مثبت یا منفی و ترک امر به معروف و نهی از منکر نیست، و همچنین نمی‌توان سکوت، بی‌حرکتی، بی‌تفاوتی و تسلیم به وضع موجود و ناامیدی را با آن توجیه کرد.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

هر حوزه اعتقادی انسان، بر برخی دیگر از حوزه‌های شناختی و نیز بر گرایش‌ها و اعمال او مؤثر است. اعتقاد به «مهدویت و انتظار» از این قاعده مستثنا نیست. معرفت خداوند و شناخت دین، از جمله تأثیرات اعتقاد به مهدویت و انتظار در حوزه خدانشناسی است؛ زیرا معرفت امام، مقدمه معرفت خداوند است و بدون شناخت امام، شناخت خداوند و در پی آن، عبادت که هدف خلقت انسان است، میسر نمی‌شود؛ همان‌گونه که در برخی روایات به این موضوع اشاره شده است.

ائمه علیهم‌السلام مظهر تمام اسما و اوصاف الهی هستند. از آن‌جا که شناخت خداوند با شناخت مظاهر و تجلیات او میسر است؛ شناخت ائمه علیهم‌السلام یکی از بهترین راه‌های شناخت خداست. همچنین، همان‌طور که با شناخت امام، معرفت به نبوت و امامت خاصه حاصل می‌شود؛ معرفت امام، شناخت آموزه‌های دینی را نیز به دنبال دارد؛ زیرا شرح و بیان ابعاد مختلف دین، تفسیر آیات و تبیین احکام توسط ایشان صورت می‌پذیرد.

امام‌شناسی نیز از تأثیرات معرفتی اعتقاد به مهدویت و انتظار است. از لحاظ عقلی و نقلی شناخت امام واجب است؛ زیرا شناخت امام مقدمه رسیدن انسان به کمال و قرب خداوند است. معرفت انسان به شخص، شخصیت، اهداف و آرمان‌های امام موجب می‌شود انسان در انتظار امام باشد. معرفت به امام، حب به امام و به تبع شناخت بیش‌تر امام را به دنبال دارد؛ زیرا بین معرفت و حب رابطه دو سویه افزایشی وجود دارد. با شناخت امام، شناخت به هدف نهایی حاصل می‌شود؛ زیرا امام موجود اکمل است و خداوند برای موجود شدن موجود اکمل، همه چیز

۱. همان، انتظار عامل مقاومت، ص ۵۵.

را خلق می‌کند. فردی که امام را هدف نهایی آفرینش بداند، علت غایی خویش را قرب خداوند خواهد دانست. انسان با شناخت هدف نهایی خود، معرفت به حکومت حق و اصیل به دست می‌آورد؛ زیرا فقط در سایه حکومت حق، هدف نهایی او میسر می‌شود. در این حالت انسان از خودمحوری رها می‌شود و امام را محور جهان می‌داند و خواست و رضایت امام را بر خواست خود ترجیح می‌دهد. در این صورت فرد منتظر در برابر اوامر و نواهی خداوند تسلیم است و تلاش می‌کند برای محقق شدن هدف نهایی‌اش، وظایفش را به بهترین وجه انجام دهد؛ زیرا اجرای وظایف مقدمه رسیدن به هدف نهایی است.

## منابع

قرآن کریم.

۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، مترجم: انصاریان، دارالعرفان، قم، بی تا.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمه*، مترجم: علی اکبر غفاری، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵.
۳. \_\_\_\_\_، *عیون أخبار الرضا*، مترجم: مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸.
۴. \_\_\_\_\_، *علل الشرایع*، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵.
۵. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس*، مصحح: علی هلالی و علی سیری، علی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴.
۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الأثر*، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۱.
۷. \_\_\_\_\_، *انتظار عامل مقاومت*، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.
۸. \_\_\_\_\_، *باورداشت مهدویت*، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.
۹. \_\_\_\_\_، *تجلی توحید در نظام امامت*، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.
۱۰. \_\_\_\_\_، *عقیده نجات بخش پیرامون عقیده به ظهور و حکومت حضرت مهدی*، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.
۱۱. \_\_\_\_\_، *معرفت حجت خدا*، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.
۱۲. \_\_\_\_\_، *ولایت تکوینی و تشریحی*، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.

۱۳. \_\_\_\_\_، **اصالت مهدویت**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۳.
۱۴. \_\_\_\_\_، **پیامون معرفت امام**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۳.
۱۵. \_\_\_\_\_، **گفتمان مهدویت**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۳.
۱۶. \_\_\_\_\_، **وابستگی جهان به امام زمان (عج)**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۳.
۱۷. \_\_\_\_\_، **امامت و مهدویت**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۷.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، **مجمع البحرین**، احمد حسینی اشکوری، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، دارالحدیث، قم، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الانوار**، جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی، **آفتاب ولایت**، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۴.
۲۲. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، **منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه**، مترجم: حسن حسن زاده آملی و محمد باقر کمره‌ای، مصحح: ابراهیم میانجی، مکتبه الاسلامیه، تهران، بی تا.